روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۷ آبان ۱۴۰۴ | ۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ | ۲۹ اکتبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۴۴۹ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان

| ۱۱۹۱ سال و ۵۸ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4449 | WED.OCT.29, 2025 | ISSN:2008-2886

پروژه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله با چالش‌ها و موانع جدی روبه‌رو است

معمای خلع سلاح

صفحه ۷

سایت باشگاه پرسپولیس رسماً از بازگشت اوسمار پرده‌برداری کرد

در آرزوی کامبک

صفحه ۶

پیام اکو

در چهارمین نشست وزرا و مقامات کشورهای عضو در تهران
اعضای سازمان همکاری اقتصادی بر همگرایی اقتصادی و امنیتی تأکید کردند

صفحه ۳

عکس: محسن وتابی/ ایرنا

تیترهای امروز

بنیاد یهودی JINSA فاش کرد در جنگ ۱۲ روزه ۷۰ درصد عملیات پدافند رژیم صهیونیستی توسط آمریکا انجام شد

ایران با آمریکا جنگید

صفحه ۲

ارزیابی علمی ادعای عجیب رئیس‌جمهور مبنی‌بر گرسنه بودن ایرانیان

ضعیف‌نمایی سیری‌ناپذیر

صفحه ۴

تأکید مجلس بر آغاز مجدد توزیع کالابرگ الکترونیک از آبان

شارژ انرژی ۷ دهک

صفحه ۳

ورود هوش مصنوعی به عرصه تألیف و ترجمه مفهوم اصالت کتاب را دگرگون کرده است

ویژه

ماشین می‌نویسد فرهنگ می‌لرزد

صفحه ۸

نبرد ژئوپلیتیک در حیاط خلوت

نگاه
رضا رحمتی

تنش‌ها بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری بولیـواری ونزوئلا که سـابقه‌ای دیرینه دارد، در ماه‌های اخیر بار دیگر ابعاد بحرانی و خطرناکی به خود گرفته اسـت. دور جدید تشدید روابط، با نمایش نظامی واشنگتن در آب‌های بین‌المللی مجـاور کارائیب و اتهام‌زنی‌هـای متقابل درباره «قاچاق مواد مخدر» همراه شـده است. اگرچه واشنگتن، عملیات خود را تحت عنوان «مبارزه با قاچاق مواد مخدر» توجیه می‌کند اما ریشه‌های این تقابل را باید در اعماق استراتژی ژئوپلیتیک آمریکا و تلاش آن برای اعمال هژمونی بر «حیاط خلوت» تاریخی خود جست‌وجو کرد. تحلیل این بحران، تنها از طریق چارچوب ژئوپلیتیک میسر است؛ چارچوبی که در آن، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی و اراده یک کشور برای تعریف مسیر مسـتقل خود، در تقابل با میل یک ابرقدرت به حفظ حوزه نفوذش قرار می‌گیرد.

■ بنیان‌های ژئوپلیتیک تنش؛ دکترین مونرو و مفهوم حیاط خلوت

بـرای درک رفتار آمریکا در قبال ونزوئلا باید به ۲۰۲ سـال قبل و «دکترین مونرو» (۱۸۲۳) بازگشت. این دکترین که شـعار «آمریکا برای آمریکایی‌ها» را تبلیغ می‌کرد، در عمل به معنای اعلام هیمنه انحصاری ایالات متحده بر قاره آمریکا بود. بر اسـاس این نگاه، نیمکره غربی به عنوان «حیاط خلوت» آمریکا تعریف شد؛ منطقه‌ای که حضور یا نفوذ قدرت‌های فراقاره‌ای (مانند اروپا) در آن تحمل نمی‌شد و کشورهای این منطقه باید در مدار سیاست‌های واشنگتن حرکت می‌کردند. این دکترین، پایه و اساس مداخلات بی‌شمار آمریکا در طول تاریخ در آمریکای لاتین، از گواتمالا و شیلی گرفته تا نیکاراگوئه و پاناما بوده است.

ونزوئلا با دارا بودن بزرگ‌ترین ذخایر اثبات‌شده نفت خام جهان، همواره جایگاهی کلیدی در این محاسبات ژئوپلیتیک داشته است. امنیت انرژی و توانایی تاثیرگـذاری بر بازارهای جهانی نفت، از ارکان اساسـی قدرت آمریکا در قرون بیستم و بیسـت‌ویکم بوده است. بنابراین وجود دولتی در کاراکاس که نه‌تنها مطیع واشـنگتن نباشد، بلکه به صراحت در مقابل آن بایستد و با رقبای ژئوپلیتیک آمریکا مانند ایران، روسـیه و چین روابط استراتژیک برقرار کند، برای سیاست‌گذاران آمریکایی یک «ناهنجاری» خطرناک و غیرقابل تحمل محسوب می‌شود.

■ ونزوئلا در تقاطع ژئوپلیتیک انرژی و ایدئولوژی

به قدرت رسیدن هوگو چاوز در سال ۱۹۹۹ را می‌توان نقطه عطـف روابط آمریکا - ونزوئلا دانست.

ادامه در صفحه ۷

تله گفتمانی علیه منافع ملی ایران

یادداشت
امیر حمزه نژاد

جنگ اوکراین فضای سیاسـت بین‌الملل و حتی نوع عملکرد اروپا و غرب را با تغییرات فاحشی روبه‌رو کرد. در جهان، ادبیات روس‌سـتیزانه با تشدید این جنگ توسـط غرب گسـترش یافت. این ادبیات در ایران نیز با نوعی گفتمان‌سـازی زیرپوستی از سوی رادیکال‌هـای اصلاح‌طلب دنبال می‌شـد اما کم‌کم برخی افـراد از جمله «محمدجواد ظریف» و برخی دیپلمات‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان و فعالان سیاسی صریحا از این گفتمان رونمایی کردند و حالا این ماجرا با میانداری ظریف وارد فاز جدیدی شده است. اوایل امر، طرفداری اصلاح‌طلبان از اوکراین در رسانه‌های خود و تلاش برای ایجاد دوقطبی در این حوزه مشخص بود؛ هرچند موضع رسمی ایران همواره در این راستا تلاش برای ایجاد صلح و عدم جانبداری میان ۲ طرف نزاع بوده است. ظریف در چند مرحله سعی کرد این گفتمان را به سیاست داخلی ایران تزریق کند اما حالا این دوقطبی بیش از پیش توسط تندروهای مجازی اصلاح‌طلب تکرار و به عنوان یک انگ و برچسب به فعالان مجازی زده می‌شود. اصلاح‌طلبان از یک‌سو از جنگ اوکراین و همسویی با غرب و گفتمان ضدروسی غرب استفاده کردند و از سوی دیگر سعی دارند فضای مذاکرات بی‌ثمر و بی‌حاصلی را که سالیان سال کشور را معطل غرب کرد، با ایجاد فضای ذهنی جدید به حاشیه ببرنـد. یکی از مواردی که بـاز هم ظریف در فضای سیاسی منشأ آن علیه روسیه بود، فایل صوتی مصاحبه وی با «سعید لیلاز» فعال اقتصادی اصلاح‌طلب بود که بخش‌های مختلفی از آن حاشیه‌ساز شد اما یکی از حاشیه‌های آن درباره عملکرد روسیه بود و در واقع به طور مرموزی این گفتمان را که روسیه علیه پیشرفت ایران و مانع شکل‌گیری ارتباط مثبت ایران و غرب و خرابکار در بزنگاه‌های سیاسی با غرب است، اشاعه داد. از این جهت که فایل در قالب و با برچسب محرمانه منتشر شد، اثرگذاری آن نیز دوچندان بود و بر المان باورپذیری آن اضافه می‌کرد.

مشـخصا این فایل صوتی بـدون در نظر گرفتن بی‌تعهـدی غرب و عدم پایبندی آمریـکا و اروپا به وظایف خود در برجام، روسیه را عامل کارشکنی در برجام معرفی می‌کـرد. این موضوع تا جایی بود که روسیه با خویشتن‌داری، ملاک را مواضع رسمی تهران عنوان کرد. «ماریا زاخاروا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه در گفت‌وگو با خبرگزاری ایتارتاس گفت: «از اینکه کسـانی مایلند روابط میان روسـیه و ایران و پیوندهای دیرینه با ایران را دستکاری کنند، باخبریم اما در کل، اتکای ما به مواضع رسمی ایران است که بیش از یک بار اعلام شـده است». با توجه به اینکه این فایل صوتی حواشی پررنگ‌تری نیز داشت، بسیاری معطوف به وجه دیگر ماجرا شدند. بعد از آن تحرکات مرموزی در رسانه‌های اصلاح‌طلب علیه روسیه شکل گرفت که در پوشش نظرات کارشناسی روابط ایران و روسـیه، همچنین گزارشـات سیاسی بین‌المللی توسط برخی فعالان سیاسی و دیپلمات‌های معطوف به اصلاحات مطرح می‌شد. در فضای پساجنگ ۱۲ روزه که غرب سعی کرد با ابزارهای مختلف فشارهای سیاسی علیه کشـورمان را تشدید کند و تروئیکای اروپا روند فعال‌سـازی مکانیسم ماشـه را اجرا کرد، ماجرای اسـنپ‌بک به عنوان یکی از مواردی که در کشـور بحث‌هایی ایجاد کرد، باز هم پای روس‌ها را به میان کشید. صحبت‌های «علی‌اکبر صالحی» وزیر اسبق امور خارجه و رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی کشورمان و عضو مذاکره‌کننده ایران با ۱+۵ درباره نظر روسیه در مورد اسنپ‌بک به عنوان «دام حقوقی» و سلب‌کننده حق وتوی این کشور به عنوان عضو دائم شورای امنیت، جنجالی تازه به پا کرد.

صالحی فاش کرد: «روسیه همان زمان که مکانیسم ماشه در برجام طراحی شد، متوجه شد این بند به طور زیرکانه‌ای حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت را دور می‌زند و هیچ دولتی، حتی مسکو و پکن، توان متوقف کردن آن را ندارد. روسیه آن زمان اعتراض کرد که این حق وتوی ما را زیر سوال می‌برد». بعد از این سخنان و اتهامـات علیه ظریف بود که وی روسـیه را عامل اسنپ‌بک خواند و بعد از آن ماجرا به جایی کشید شد که «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه در برابر این سخنان عنوان کرد: «ظریف و کری اسنپ‌بک را ابداع کردند». اگرچه تا حدی این منازعه ظریف - لاوروف شخصی می‌نماید اما آنچه در این میان مطرح است، موضوع بازکردن پای یک طرف خارجی به منازعه و رقابتی داخلی است که در این راستا با توجه به بزنگاه سیاسی ایران، روسیه و چین که حالا با اقدامات تاریخی این ۲ کشور در ایستادن کنار ایران و همکاری برای غیرقانونی و غیرحقوقـی معرفی کردن فعال کردن مکانیسم ماشه همراه شده، بیشتر از هر چیز منافع ملی کشورمان را خدشـه‌دار می‌کند؛ موضوعی که ظریف با سابقه بلندبالا در حوزه بین‌المللی و دیپلماتیک باید بخوبی نسبت به آن حساس باشد و هیچ بهانه‌ای نافی عملکرد و پاسخگویی ظریف در پذیرش چنین مکانیسمی که علیه برجام عمل کرد، نیست.

نکته اساسی در چنین رویکردی که علیه منافع ملی کشورمان تعریف می‌شود، آن است که اصلاح‌طلبان و گروه‌های نزدیک به آنها هرقدر غرب در تعامل با ایران کارشکنی کرد و بیشتر تجربیات دیپلماتیک در این حوزه گسترش یافت و ملموس‌تر شد، روند گفتمان ضد برخی دیگر از کشـورها را تشدید کردند! این در شرایطی است که کلاسیک‌ترین موضوعات بین‌المللی و دیپلماسی واقع‌گرایانه موید آن است که طرفین بر اساس منافع خود عمل کرده و هرقدر درهم‌تنیدگی منافع بیشـتر و نوع روابط راهبردی‌تر باشد، بیشتر امکان حرکت کشـورهای دیگر در راسـتای منافع ایران وجود دارد. در سال‌های اخیر، بخشی از جریان اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا با محوریت چهره‌هایی چون حسـن روحانی و محمدجواد ظریف، نوعی گفتمان ضدمنافع ملی را با حمله به برخی کشورها در فضای سیاست ایران نهادینه کرده‌اند؛ گفتمانی که در ظاهر، «استقلال در سیاست خارجی» را فریاد می‌زند اما در باطن، نوعی جهت‌گیری سیاسی است که عملاً میدان را برای بازگشت غرب‌گرایی و اعتماد دوباره به آمریکا باز می‌کند. این جریان می‌کوشد کشورهای دیگر جز غرب را در افکار عمومی به عنوان مانع توسعه و تعامل معرفی و از سـوی دیگر، چهره‌ای عاقل و صلح‌طلب از غرب بویژه آمریکا و اروپا ترسیم کند. اما حقیقت آن است که در سیاسـت خارجی جمهوری اسلامی، نه شرق معیار است و نه غرب، بلکه تنها «منافع ملی» ملاک است. با این حال، این جریان با القای دوگانه «روسیه بد □ غرب خوب»، عملاً سیاست خارجی ایران را در یک تله فکری قرار داده که ادامه آن برای منافع ملی ایران خطرآفرین است و بسیاری از ظرفیت‌ها خصوصا در بزنگاه‌های حسـاس را با عدم عقلانیت سیاسی از کشورمان سلب می‌کند.